

حزب توده، گامی

هنگامیکه حکومت دموکراتیک مصدق بر سر کار بود حزب توده با آن

"یکی از این دوشمنی، که ما آنرا دموکراسیم انقلابی مینامیم، مبارزه با امپریالیسم و در آن امپریالیسم آمریکا راه هدف اصلی خود قرار داده و با تعقیب اعمال امپریالیسم و ارتجاع، از طریق کمیته ها و پاسداران و محاکمه

شان در دادگاههای انقلاب، قصد ریشه کن کردن امپریالیسم را دارد. تا از این طریق بتوان جامعه ای را بنا کرد که در آن نقش اساسی بر عهده توده ها، یا به بیان امام خمینی مستضعفین باشد. چنانکه دیده میشود، امام خمینی بطور کلی منعکس کننده این خط مشی است." (مردم دوره هفتم، سال اول، شماره ۲۳ - پنجشنبه ۱۷ خرداد ۵۸)

"خط مشی دوم، که همان مشی سیاسی بورژوازی لیبرال است، ظاهراً آزادیهای دموکراتیک را محور مبارزه خود قرار داده ولی در واقع ضد احیاء سرمایه داری و ایستادگی در ایران دارد." (همانجا)

نویسنده با استعداد روزنامه مردم در این مقاله به یک شگرد سیاسی مبتذل پناه میبرد و عمداً مبارزه علیه امپریالیسم و ریشه کن کردن آن را به حد "تعقیب اعمال امپریالیسم و ارتجاع" و "محاکمه شان" تنزل میدهد. این عمل عامدانه انجام میگیرد تا هم نویسنده با استعداد خود را درگیر بحث ضروری لازم محدودیتهای خرده بورژوازی در مبارزه ضد امپریالیستی ننماید، و هم با ذکر عباراتی مانند "تعقیب" و "محاکمه" "کمیته" "پاسداران" و "دادگاهها" در ذهن خواننده، خشونت را با استبداد مترادف گردانند و عدم وجود "دمکراسی" را امری طبیعی جلوه گر سازد. اما آنچه را که نویسنده یا نویسندگان

مواضع متناقض و اپورتونیستی که بر حسب شرایط روز تغییر و تبدیل یافته اند، در حقیقت موضع گیری امروز حزب توده در مورد مسئله خرده بورژوازی و فاشیسم، نه تنها ناشی از برداشت تئوریک غلط آنان از شرایط جامعه است، بلکه بیش از آن نشانه دهنده اپورتونیسم حاکم بر حزب توده میباشد.

بعبارت دیگر مشی سیاسی بدبینان یک تحلیل تئوریک از شرایط جامعه اتخاذ نگشته، بلکه بالعکس "تحلیل تئوریک" در خدمت توجیه مشی سیاسی قرار گرفته است.



حزب توده و مسئله آزادیهای دموکراتیک

حزب توده برای مقبول جلوه دادن خویش و نشان دادن همسوئی مبارزاتی اش با حزب حاکم، حزب جمهوری اسلامی و دیگر منشعبات آن - کمیته ها، پاسداران و دادگاههای انقلابی - از هر فرصتی سودمندی جوید تا پیشینه نادرست حزب در مورد جریانهای ملی شدن صنعت نفت و مبارزات ملی سالهای ۲۹-۳۲ زمانی که مصدق را عامل امپریالیسم میدانستند - را به پوشاندن و از طرف مراجع، بمثابه حزب رسمی "طراز نوین طبقه کارگر" مورد قبول افتد. و این عمل دقیقاً ادامه برخورد گذشته حزب توده و روی دیگر همان سکه است. این حزب برای موجه جلوه دادن روش خویش کار را بداندانجا رسانده است که در حقیقت لزوم مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک، و این امر که حل مسئله دموکراسی در ایران جدا از مسئله مبارزه علیه امپریالیسم نیست را به سکوت برگزارد و میگوید تازیانه را بردوش کسانی میکوبد که حل مسئله دموکراسی را جدا از حل مسئله امپریالیسم یعنی سرمایه داری جهانی نمیدانند. حزب توده معتقد بوجود دوشمنی سیاسی در جامعه است:

از جمله جریانهای انحرافی درون جنبش کمونیستی، حزب توده است. حاکمیت مشی خرده بورژوازی بر رهبری این حزب از همان آغاز فعالیتش، و وابستگی بی چون و چرای کمیته مرکزی به سیاستهای مدکارگری رهبران شوروی و پراوتیک ۲۲ ساله این حزب، مبارزه با دارودسته کمیته مرکزی که خود را به ناحق ادامه دهنده حزب کمونیست ایران میدانند و امروز لقب وزین "حزب طبقه کارگر" را بدنبال خود میکشد، از جمله وظائف اساسی مارکسیستهای در زمینه مبارزه ایدئولوژیک میباشد.

اما آنچه در این زمینه مهم است، نه صرفاً برشمردن خیانتهای سابق کمیته مرکزی و اثبات آن، بلکه مهم تر از آن، افشای مشی توده ایستی، مشی رویزیونیستی و سازش طلبی است که نه صرفاً در حزب توده، بلکه در بسیاری از جریانات سیاسی جنبش چپ که هیچگاه بطور قطعی از مشی "توده ایستی" نرسیده اند وجود دارد. در حقیقت مبارزه با رویزیونیسم از کذر افشای موارد مشخص جهان بینشی "توده ایستی" میگذرد و تنها با انتقاد براندیشه های سازش طلبی است که میتوان جنبه ای از مبارزه ایدئولوژیک را در درون جنبش کمونیستی ایران سازمان داد و گامی مستحکم در راه تدارک انقلاب اجتماعی ایران برداشت.

از اینروست که ما در این شماره یکی از وجوه اساسی نظریات فعلی حزب توده را در مورد خرده بورژوازی ایران به نقد گذاشته ایم، تا نشان دهیم آنچه را که این حزب امروز بعنوان توجیه تئوریک برای دنباله روی خود از جریانهای مذهبی ارائه میدهد و تا آنجا پیش میرود که بدون روشن بودن محتوای جمهوری اسلامی بدان رای میدهد و تهاجم نیروهای انحراف طلب به مطبوعات را موجه جلوه می دهد تا چه اندازه بی اساس است.

نکته ای را که در نقد مشی حزب توده باید در نظر داشت اینست که این حزب به طبیعت خلعت فرصت طلبانه اش - هیچگاه مواضع سیاسی استواری را دنبال ننماید. انتشارات سالهای اخیر حزب توده، که برخی اخیراً بطور ناقص و تحقیر چاپ شده اند، انبانی است از

گر در سر اشیب سقوط

ت میکرد امروز که سلطه جویان بساط اختناق میگسترند حزب توده با آنان همکاری میکند.

گان "مردم" اساسا بدان نمی پردازند ، در حقیقت جنبه دیگر این "کمیته ها" و "پاسداران" و ... نقش هدم کراتیک است ، که نه در خوشنیتان علیه ارتجاع بلکه در خوشنیتان علیه نیروهای مردمی نهفته است . بیجهت نیست که کیانوری در مصاحبه مطبوعاتی اش اعلام نموده که " این کمیته ها در جهت دمکراتیک کردن مملکت ، در جهت مبارزه با عوامل رژیم سابق و در جهت ریشه کن کردن دشمنان انقلاب ایران ، نقش بسیار مهمی ایفا کرده اند و میکنند " (مردم دوره هفتم ، سال اول)

برای این نویسندگان کافی است که به اخبار روزانه نگاهی بیاندازند و پامال شدن حقوق دمکراتیک مردم در موارد مختلف را برای العین ملاحظه فرمایند . . . کافی است که به بررسی حوادث گنبد ، سنج ، نقده و خوزستان بپردازند تا بتوانند رد پای انحصار طلبی نیروهای حاکم را ملاحظه فرمایند . کافی است به بررسی عملکرد کمیته ها ، به قوانین "دائگاه" انقلاب به لایحه مطبوعات و ... بپردازند و رد پای " دمکراتیسم انقلابی " حکام جدید را ملاحظه فرمایند . کافی است که خطابه های امام خمینی را مورد ملاحظه قرار دهند تا علل انحصار طلبی را - حتی در یکسال گذشته فعالیت سیاسی ایشان در تبعید - ببینند . آیا این اعمال انحصار طلبانه ضرورت مبارزه علیه امپریالیسم است ، یا بالعکس نشانه هایی از تسلزل و تردید واقعی در مبارزه عملی علیه امپریالیسم و جلوگیری از رشد و نفوذ نیروهای که واقعا خواستار مبارزه علیه امپریالیسم اند ؟ چه نیرو یا نیروهایی هستند که از تصفیه کامل ارتش ، از متلاشی کردن سیستم اطاعت کورکورانه و افسریت ، ساختن شوراهای ارتشی ، سر باز میزنند ؟ آن کدام نیرو است که درهای سپاه چالهای اوین را مجدداً بروی مبارزین باز نموده

و تظاهرات کارگران در اصفهان را به گلوله می بندد ؟ آیا اینها همگی صرفاً اقدامات عناصر غیر مسئول کمیته ها است و یا اینکه ناشی از ماهیت غیر دمکراتیک کمیته ها می باشد ؟ باید از حزب توده پرسید که آیا این فرصت طلبی نیست که شما بدینگونه چشمها را بر حقایق می بندید و مردم را فریب می دهید ؟

شما از کسانی بعنوان دمکرات انقلابی نام میبرید که نه تنها تاب تحمل شنیدن نظرات دیگران را ندارند ، بلکه از هر فرصت برای ضربه زدن به نیروهای دیگر انقلابی استفاده میکنند .

براستی اگر دمکراسی انقلابی اینچنین است ، باید فاتحه حقوق دمکراتیک را برای همیشه در این جهان خواند ، گردانندگان رژیم نه تنها دمکرات نیستند ، بلکه اساساً به لزوم دمکراسی نیز معتقد نیستند ؟ به مانیفست اینان یعنی "ولایت فقیه" مراجعه نمائید تا معنای دمکراسی را دریابید ، آنرا ورق زنید تا برای العین ببینید ، در دید رهبران امروزی جامعه مردم به گوسفندان و رهبران به شبان تفسیر گردیده اند . و شما بماند که بزم دیگران این سلطه جوئی را بصورت دموکراتیسم انقلابی بخورد مردم می دهید .

بدین طریق حزب توده با مشخص کردن دو مشی " دموکراتیسم انقلابی " و " بورژوازی لیبرال " صرفاً به وجود دو جریان سیاسی اجتماعی در جامعه ایران معترف است . جریانهایی اجتماعی خرده بورژوازی و جریانهایی اجتماعی بورژوازی وابسته ، این تحلیل حزب توده ، حزبی که خود را نماینده طبقه کارگر ایران میدانند نشان میدهد که اساساً این حزب وجود یک جریان سوم اجتماعی ، جریان مستقل جنبش کارگری را نفی نموده و سرکردگی جریانات خرده بورژوازی را بجا میخرد و خود را درست در اختیار مشی باصلاح " دموکراتیسم انقلابی " گروه حاکم قرار میدهد و با تحلیل نادرست " انقلاب دمکراتیک"

هژمونی پرولتاریا را به فراموشی میسپرد و علت وجودی خویش را به مثابه " حزب طبقه کارگر " فراموش میکند .

این دیگر از بدیهیات مبارزات سیاسی است که جریانات اجتماعی ، حتی در جنبش ترین شکل خویش نطفه هایی از جریانات خاص طبقاتی را در بردارند . مبارزه برای کسب هژمونی سیاسی از جانب نیروهای اجتماعی حتی در عمومی ترین جنبشهای توده ای نیز وجود دارد ، اگر این درست است که توده وسیع مردم بعلمت مواضع ویژه شان در روند تولید ، به طبقات متمایز اجتماعی تقسیم میگردد و هر یک خواستار تثبیت منافع طبقاتی خویش است ، پس این امر نیز صحیح است که در مبارزه اجتماعی ، حدود این تمایز طبقاتی در اشکال ویژه سیاسی نیز روشن گردد . منحصر کردن جریانات اجتماعی ایران به دو جریان بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی در حقیقت مخدوش کردن رابطه جنبش مستقل کارگری با جریانات اجتماعی دیگر است . وجه تمایز پرولتاریا در امر تولید - فاقد بودن هر گونه مالکیت بر وسائل تولید - لزوماً در صحنه مبارزه سیاسی نیز تاثیر نهاده و مبارزه این طبقه را از سایر طبقات اجتماعی مشخص مینماید .

کافی است که به حوادث چند ماهه اخیر نگاه کنیم تا بخوبی ردیای طیف مستقل جنبش کارگری را دریابیم و برای العین ملاحظه کنیم که جامعه انقلابی ایران نه تنها شاهد دو جریان اجتماعی ، بورژوازی و خرده بورژوازی بلکه شاهد جریانات اجتماعی سوسیالیستی یعنی جنبش مستقل کارگری نیز میباشد .

راه دور نرویم به بارزترین نمونه این تمایز اشاره می کنیم . به تظاهرات اول ماه مه ، تظاهراتی که سرتاسر ایران را دربرگرفت و نیروهای مختلف اجتماعی صف آرائی طبقاتی خویش را در آن به منصفه ظهور گذاشته ، نگاه کنیم . بورژوازی لیبرال صرفاً با دادن چند اعلامیه گریبان خویش را خلاص نمود و به ذکر تاریخی از مبارزات پرداخت و بیش از آن نیز انتظاری از بورژوازی نمیرفت . خرده بورژوازی مذهبی راست و نیروهای جنبش کارگری مستقل از بدیدگر دست به تدارک وسیع تظاهرات سرتاسری زدند و هر یک با شعار و صف خاص خویش به میدان آمدند

شعار اساسی خرده بورژوازی راست مذهبی شعار "اسلام پیرو است، کمونیسم نابود است" و شعار اساسی نیروهای مستقل کارگری شعار معروف، "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد" بود. جالب آنکه صف حزب با صلاح وفادار به اصول مارکسیسم - لنینیسم حزبی که خود را حزب طراز نوین طبقه کارگر میدانند و علی القاعده میباید در چنین روزی به برگزاری تظاهرات مستقل کارگری اقدام نماید به تظاهرات حزب جمهوری اسلامی ملحق شد! و همصدا با آنان و تحت شعارهای آنان به راه پیمایی پرداخت. حال حزب توده اسلامی چگونه میخواهد "انقلاب دموکراتیک" را به پایان رساند و سپس ایران را بسوی سوسیالیسم رهبری نماید، چیزی است که باید از کیانوی و رفسنجانی مشترکا پرسید. جواب آنان نیز روشن است: "آیت الله خمینی رهبر مستمعین است و باید همیشه با توده ها بود بنا بر این باید رهبری خمینی را نیز پذیرفت" حال مبارزه مستقل پرولتاریا را به کجا باید محول نمود، سوالی است که کیانوی

آنها به بهشت حواله میدهد زیرا عواقب مبارزه امروزی مستقل پرولتاریائی را جهنمی میداند که به پیروزی بورژوازی لیبرال میانجامد.

بد نیست از زبان رهبران حزب نیز جواب مستقیم سوال را بشنوید. در مصاحبه با تهران مصور شماره ۳۱ بتاريخ ۲۵ خرداد ماه در مقابل این سوال که "آقای کیانوی گفته است که یکی از دلائل این کار این بود که مذهبی ها اکثریت دارند به نظر شما این موضوع درست است؟ اسکندری پاسخ میدهد "من وارد نیستم نمی دانم. بعنوان یکی از اعضای هیئت اجرائیه حزب باید از جریانات اطلاع داشته باشم، اما در این مورد وارد نیستم و از چگونگی اتخاذ تصمیم در این باره اطلاع ندارم. بهر حال باید کوشید که از هر حرکتی که در درون نیروهای خلقی و دموکراتیک ایجاد شکاف میکنند اجتناب کرد حزب ما باید سیاست متحد کننده و جمع کننده داشته باشد. این نظر مشخص من است"

بجز این توجیه "تئوریک حزب صرفا" با اشاره به وجود این دو جریان در مبارزه ختم نمیکرد، بلکه از جانب دیگر - و این بار نیز

برای توجیه مواضع سیاسی اشان بطور مگنیک مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک را از مبارزه علیه امپریالیسم جدا دانسته و معتقد است که "ولی با آنکه میان مبارزه علیه امپریالیسم و مبارزه در راه دموکراسی پیوند وجود دارد و مبارزه علیه یکی بدون مبارزه علیه دیگری میسر نیست. در مراحل برهه های مختلف انقلاب بسر حساب و احوال مشخص، یکی از دو مبارزه میتواند برجستگی بیشتری پیدا کند. این برجستگی ناشی از آن است که کدام یک از تضادهای جامعه ایران (تضاد با امپریالیسم و عمال داخلی و تضاد با رژیم استبدادی) خطت تضاد عمده را بخود میگیرد. در شرایط کنونی، که بساط دیکتاتوری شاه مخلوع برچیده شده، تضاد با امپریالیسم همچنان بصورت تضاد عمده باقی میماند و باین جهت مبارزه علیه امپریالیسم، هنوز برجستگی بیشتر دارد ولی تیز مبارزه باید علیه این دشمن غدار متوجه باشد" (مردم - دوره هفتم سال اول - شماره ۲۳)

"برهه های مختلف انقلاب" و "اوضاع و احوال و شرایط مشخص" در اینجا یکا بربرده میشود تا لزوم مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک بمعنای وسیع کلمه - نفی گرد و با عمده شان دادن "تضاد با امپریالیسم و عمال داخلی آن" مسئله انحصار طلبی نیروهای حاکم مسکو ت گذاشته شود

رهبران حزب توده برای تحریف واقعیت و عملی نشان دادن تزهایشان، مقوله تضاد با استبداد و تضاد با امپریالیسم را در یک رده قرار میدهند تا بتوانند مصادقانه نتیجه گیری نمایند که حال که رژیم شاه سرنسگون گردیده و دیگر غول استبداد وجود ندارد پس صرفا مبارزه علیه امپریالیسم عمده است. خیر آقایان سخت در اشتباهید.

شما خود قاعدتا میدانید که این دو تضاد در مقابل یکدیگر قرار نمیگیرند، زیرا تضاد با دیکتاتوری و استبداد (که این دیکتاتوری و استبداد خود را از ایده شرایط اجتماعی و طبقاتی است) تضاد در شکل و روبنای سیاسی جامعه بوده و تضاد با امپریالیسم و ارتجاع داخلی بمثابة عامل وجود آورنده دیکتاتوری و - استبداد، تضاد در محتوا است این شکل (استبداد)، و این محتوا (امپریالیسم و ارتجاع داخلی) در مجموع سیستمی را

تشکیل میدهند که این در کلیتش حافظ منافع عارتگران داخلی و خارجی است. و اگر قبول کنیم که مبارزه علیه این سیستم ارتجاعی در دستور کار قرار داشته و دارد (و سرنسگونی رژیم شاه بمعنای صرفا از بین رفتن یکی از مظاهر دیکتاتوری و استبداد میباشد) پس منطقا نیز باید قبول کنیم که تا محو کامل این سیستم، مبارزه ادامه خواهد داشت. و بدون مبارزه برای دموکراسی نمیتوان علیه امپریالیسم مبارزه نمود و بدون مبارزه علیه امپریالیسم نمیتوان آزادیهای دموکراتیک و افعی را بدست آورد.

باید از رهبران حزب توده پرسید که عملکرد امپریالیسم و ارتجاع داخلی کدام است؟ آیا بزبان ساده چیزی جز استثمار و استبداد است؟ آیا ادامه استبداد و یا حتی کوشش در ایجاد یک سیستم استبدادی جدید - ولو آنکه بنام انقلاب انجام گیرد - کمکی در راه ابقای امپریالیسم نیست؟ آیا باز برای "قانع کردن" شما به این امر که نیروی حاکم در ایران ایجاد یک سیستم استبدادی جدید است باید به اخبار روزانه متوسل شد و فی المثل گفت که احیاء قانون ۱۳۱۰ حده خدمت

.... کاملا ممکن است حکومت فردی شاه و رژیم پلیسی او از بین برود و لسی خود سلطنت همچنان تا مدتی باقی بماند (دنیا - بهمن ۵۴). انتقال قدرت از یک جناح طبقه حاکمه به جناح دیگر انجام پذیرد و جناح سالمتر و واقع - بین تر هیئت حاکمه زمام امور را به دست داشته باشد. (دنیا - مهر ماه ۵۴)

.... ما میدانیم که عناصر بی مسو - لیت، همراه با افراد ضد انقلابی، می - کوشند رسانه های گروهی و از آنجمله مطبوعات را مورد استفاده خود قرار دهند.

(مردم - دوره هفتم - سال اول شماره ۱۵)

ارتجاع و امپریالیسم نیست؟ آیا باز باید طوماری از وقایع پنج ماهه اخیر را ردیف نمائیم و یا باید از شاتلور یسین های عالیقدر "خواهیم که بار دیگر مقوله تضادها را مطالعه کنید و چگونگی

شناختن تضاد عمده را دریابید؟ آیا شما هنوز مطلع نیستید که تضاد در شکل و محتوای یک پدیده، تضاد جنبه‌های مختلف و مرتبط یک سیستم می‌باشد؟ آیا باید نادرست بودن تئوری مقاطع را برای شما توضیح داد؟

ولی آقایان این اولین باری نیست که شما درک اپورتونیستی خود از مبارزه انقلابی را بمنصه ظهور می‌گذارید. شما آنزمان که مردم علیه استبداد و امپریالیسم مبارزه می‌کردند، مردم را به آن جنبه تضاد دلخوش می‌کردید و می‌گفتید چون: "نیروهای ملی و دموکراتیک نه تنها نتوانستند و نه در مجموع قادر به سرنگون ساختن رژیم نیستند" (ویژه نامه دنیا ۵۴)

پس باید با: "عناصر دوربین تر طبقات حاکمه" همکاری نمود و "جنبه ضدیکتاتوری وجود آورد".

و بدین ترتیب با تفکیک مکانیکی مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه ضد دیکتاتوری، به پشتیبانان و دنباله روان بورژوازی لیبرال تبدیل شدید و امروز با این تز جدید بدنباله روان بی چسبون

.... گاه آزادی بمعنای بی بندوباری در نشر اخبار (بهتر گفته باشیم، اکاذیب) خودسری در توضیح و رویدادها و بی مسئولیتی در نتیجه گیری‌ها و تفسیرها می‌شود. در سایه چنین "آزادی" است که سخنان امام خمینی و دریا سالار مدنی تحریف می‌شود، حوادث سنج و گنبد و نقده دگرگونه جلوه گر می‌شود، اقدامات تروریستی گروه فرقان به نیروهای چپ و کمونیستها نسبت داده می‌شود. (مردم - دوره هفتم - سال اول شماره ۱۴۱)

... نیروهای ملی و دموکراتیک نه تنها نتوانستند و نه در مجموع قادر به سرنگون ساختن رژیم نیستند. (ویژه نامه دنیا ۵۴)

و چرای خورده بورژوازی. بعبارت دیگر شما هرگز در صف مستقل جنبه کارگری نبوده‌اید و امروز هم نیستید. یک روز با قوام السلطنه و روز دیگر با جناح "دوربین تر طبقه حاکمه" و امروز با

فدائیان اسلام، توجیه گریهای شما تعویض دائمی ترها ییتان و به چپ و راست زدن تان کسی را که نخواهد فریب بخورد تحمیل نمی‌کند. امروز برای آنکه به فراموشکاران وانمود کنید که همواره چنین می‌گفته‌اید ادعا می‌کنید که:

"باین جهت مبارزه علیه امپریالیسم هنوز برجسته گی بیشتری دارد" و حال آنکه این ابراز از جانب شما چیزی بیش از یک دروغ گوئی عریان نیست. شما برخلاف ادعای امروزتان، دیروز می گفتید که:

"کاملاً ممکن است حکومت فردی شاه و رژیم پلیسی او از بین برود ولی خود سلطنت همچنان تا مدتی باقی ماند" (دنیا بهمن ۵۴) و "انتقال قدرت از یک جناح طبقه حاکمه به جناح دیگر انجام پذیرد و جناح سالم تر و واقع بین تر هیئت حاکمه زمام امور را بدست داشته باشد" (دنیا مهر ۵۴).

و باز اظهار می‌کردید که: "این مبارزات باید در چهارچوب و با لحنی انجام گیرد که امکان همکاری همه نیروها را... غیر ممکن و یا حتی دشوار نسازد" (ویژه نامه دنیا اسفند ۵۴).

حال چگونه بخود حق می‌دهید که بگوئید "مبارزه علیه امپریالیسم هنوز برجسته گی بیشتر دارد" گوا اینکه همواره مبارزه علیه امپریالیسم راعمه می‌کردید؟! و این دیگران بوده اند که بدنبال شعار "آزادیهای دموکراتیک روان بوده و مبارزه علیه امپریالیسم را به دست فراموشی سپرده بودند؟ نه آقایان، شما با اضافه نمودن هنوز به آن جمله، نمی توانید خود را مدعی طرح شعار مبارزه علیه امپریالیسم نمائید و حملات دیروز خود را به کسانی که چنین می‌گفتند بدست فراموشی بسپارید. هر کس که مختصر شعوری داشته باشد سخنان دیروزی شما را با خاطر خواهد آورد و فراموش نخواهد کرد که سینه چاکان دموکراسی دیروزی، امروز به صراحت تمام در مورد حمله سلطه جویان به آزادیهای دموکراتیک می‌گویند:

"گاه آزادی به معنای بی بندوباری در نشر اخبار (بهتر گفته باشیم، اکاذیب) خودسری در توضیح و رویدادها و بی مسئولیتی در نتیجه گیری‌ها و تفسیرها

و یا

میشود. در سایه چنین "آزادی" است که سخنان امام خمینی و دریا سالار مدنی تحریف می‌شود، حوادث سنج و گنبد و نقده دگرگونه جلوه گر می‌شود، اقدامات تروریستی گروه فرقان به نیروهای چپ و کمونیستها نسبت داده می شود" (مردم - دوره هفتم - سال اول شماره ۱۴۱)

"حوادث مربوط به روزنامه "آیندگان" و "کیهان" نگرانی‌هایی را در میان مردم صدیق، که علاقمند به حفظ و تحکیم انقلاب هستند، بوجود آورده است. آن‌ها از خود می‌پرسند: "آیا این آغاز یک جریان منفی علیه آزادیهای دموکراتیک نیست؟"

و سپس دامه می‌دهید:

"ما بنوبه خود این نگرانی را نمی‌خواهیم تأیید کنیم، زیرا عمل رهبری انقلاب تا کنون در جهت منافع خلق و انقلاب بوده و هست ما متوجه دشواری و بغرنجی وضع و ضرورت نبرد بی امان با ضد انقلاب هستیم. ما می‌دانیم که عناصر بی مسئولیت، همراه با افراد ضد انقلابی، می‌کوشند رسانه‌های گروهی و از آن جمله مطبوعات را مورد استفاده خود قرار دهند. ما احساس می‌کنیم که رهبری انقلاب هدفش مبارزه با این جریان است و فاقد مسئولیت و ضد انقلاب است. ولی همچنان که گفتیم، باید در اجرای این وظایف، در عین حفظ قاطعیت، بدان طراز رفتار کرد که موجب سوء تفاهم درباره سیاست رهبری انقلاب نشود"

(مردم - دوره هفتم - سال اول، شماره ۱۵)
(تا کنید از ماست)

آری آقایان شما همانند یک بورژوازی کاد سیکار، و با یک خرده بورژوازی سلطه جو آزادیهای دموکراتیک را بی بندوباری میداند و در این راه میکوشید با این تاکتیک خود را با سانسور چنان حدید هم فکر نشان دهید. اما این صرفاً "جنبه‌ای از برداشتهای شما از مسئله مبارزه و دموکراتیک است، ما در مقابل آینه به جنبه دیگر آن یعنی برداشت شما از فاشیسم و مبارزه ضد فاشیستی خواهیم پرداخت تا نشان داده شود که فرصت طلبی شما هر روز عمیقتر و ضربه تان به جنبش چپ سهمگینتر می‌شود.